

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلف آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

شنبه ۲ اسفند ۱۴۰۴ • ۳ رمضان ۱۴۴۷ • ۲۱ فوریه ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۳۲ • صفحه اذان ظهرتهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۰۱ • اذان صبح فردا ۵:۲۰ • طلوع آفتاب ۶:۴۳

تحلیل‌خوانی

نوجوانان معترض آزاد شوند

«امیرحسین جلالی‌ندوش»، سخنگوی انجمن علمی روان‌پزشکان ایران، در گفت‌وگو با ایلنا درباره نوع برخورد با کودکان زیر ۱۸ سال که در حوادث اخیر داشت‌شده‌اند، گفت: «رویه‌های قضائی تا یک مرحله‌ای تربیتی هستند و از جایی به بعد رویه‌های کنترلی می‌شوند. وقتی مسئله مربوط به کودک و نوجوان است، آن‌هم کودکی که در یک فضای هیجان‌زده اعتراضی دستگیر می‌شود، رویکرد نباید کنترلی-تنبیهی باشد، بلکه باید ارشادی و تربیتی باشد. در غیر این صورت، هر نوع اقدام قضائی نقض هدف اصلی خواهد شد».

به گفته او، علت اصلی بروز این‌گونه رفتارها، ویژگی‌های دوره زندگی نوجوانی است؛ به‌ویژه عوامل انگیزشی. او گفت: «فردی که در مواجهه با وضعیت‌های اجتماعی ناعادلانه یا معترض به آنهاست، ممکن است تحت تأثیر هیجانات آرمان‌خواهی و حس حق‌جویی (که اگرچه شکل یا سازمان خاصی ندارد) عمل کند. چنین عمل بی‌پایانی باید در چارچوبی درست و مستدل نشان داده شود، به این معنا که رفتار او صرفاً ناشی از احساس ناراضایتی نیست، بلکه نشانگر نیاز به پاسخ‌گویی به مشکلات ساختاری است».

سخنگوی انجمن علمی روان‌پزشکان ایران تصریح کرد: «درعین‌حال، این نگاه که بسیاری از نوجوانان و دانش‌آموزان در ایران به‌طور درخورتوجهی مسئولیت‌پذیر هستند و به‌جای تمرکز صرف بر امور شخصی خود، به مسائل اجتماعی می‌پردازند، می‌تواند تحسین‌برانگیز باشد. اگرچه این رفتار ممکن است آگاهی به نظر برسد که «حرف اجتماعی» می‌زنند، اما درواقع نشان از بالابردن سطح آگاهی و مشارکت شهروندی دارد. بنابراین باید از چنین نگرش مثبتی قدردانی کرد».

این روان‌پزشک تأکید کرد: «اگر ما تصور کنیم که محتوای این رفتارها از نظر معنوی یا عملی نادرست است، این می‌تواند ما را به این سؤال برانگیزد که کجا خطا رفته‌ایم».

جلالی‌ندوشن گفت: «این نوجوانان درواقع محصول نظام آموزشی رسمی کشور و ساختار هنجاری خانواده ایرانی‌اند؛ ساختاری که در سال‌های گذشته زیر آماج انواع تبلیغات فرهنگی قرار داشته است. بنابراین اگر قرار باشد کسی مورد پرسش قرار گیرد، باید همین مسئولان را مخاطب قرار داد».

این روان‌پزشک تأکید کرد: «اگر تصور کنیم اینها اشتباهی مرتکب شده‌اند، آیا می‌خواهیم اینها را ارشاد کنید یا می‌خواهیم از اینها بزهکار بسازیم؟ اگر می‌خواهیم بزهکار بسازیم، راهش زندانی‌کردن، حکم‌دادن و بازداشت است. ولی اگر می‌خواهیم ارشادی-تنبیهی باشد، هر ساعت نگه‌داشتن نوجوان و دانش‌آموز در بازداشتگاه‌ها به این معناست که این کودکان و نوجوانان که می‌توانستند در جهت سازنده، انرژی جوان‌شان به کار گرفته شود، به سمت بزهکاری‌شدن و کینه‌توزی از سیستم قانونی و رسمی کشور سوق داده می‌شوند».

جلالی‌ندوشن ادامه داد: «هیچ‌کسی از ابتدا نسبت به نظم‌نماین و سیستم رسمی، کینه یا تحقیر نشان نمی‌دهد، اما عواملی مانند ناامی، احساس بی‌پناهی و نادیده‌مانده‌شدن، افراد را به‌گونه‌ای عصبی می‌کند که فریاد می‌زنند، می‌شکنند، آتش می‌زنند یا علیه نمادهای رسمی قدرت شعار می‌دهند. بنابراین باید این نشانه‌ها را به‌جای ساده ردکردن، به‌عنوان پیام‌هایی که می‌توان از آنها آموخت، در نظر گرفت. همان‌گونه که درمورد تب، تبیه‌کننده آن نیستیم، بلکه تب را نشانه‌ای از خطر بزرگ‌تری می‌پندیرم و سعی می‌کنیم آن را درمان کنیم».

او در پایان گفت: «مسئولان به‌جای صرف وقت برای تبیه خطاکاران اجتماعی، باید به بازشناسی مشکلات موجود در سیستم‌های آموزشی، امنیتی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی بپردازند. ارتقای امنیت جامعه از این طریق، نه‌تنها امکان‌پذیر نیست، بلکه تجربیات نشان داده‌اند این روش‌ها به‌درستی به کار گرفته نمی‌شوند و از آن درس گرفته نمی‌شود. در نتیجه، جامعه بیشتر در معرض پارگی‌های روانی، تکثیر نفرت و در نهایت درگیری‌های جدلی بین گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد».

حداقل در چند هفته اخیر، بسیاری از مردم کشورمان دلمشغول وقوع

جنگ بوده‌اند؛ این پدیده شوم که مدتی است سایه خود را بر سر کشورمان انداخته و نگرانی مضاعفی را در این وانفاسی اقتصادی در دل مردم تحمیل کرده است. رسانه‌های معاند نیز این جنگ را همواره به تیرهای یک خود گنجانده و وقوع آن را حتمی می‌دانند. در این میان، برخی در داخل نیز بر این آتش، بنزین می‌ریزند و همه چیز را در فضای جنگی بازتعریف می‌کنند. هرچند مذاکرات با آمریکا با هدف رفع تهدید جنگ در دستور کار عالی‌ترین مقامات کشور است، اما هیچ ایرانی‌ای در هیچ‌جای دنیا نباید موافق جنگ باشد. ایران نیز اعلام کرده هرگز آغازگر جنگ نیست. از سوی دیگر، برخی اصرار دارند هم در داخل بچنگند و هم با بیرون. تحمل هر صدای منتقد (هرچند دلسوزانه باشد) به کمترین میزان رسیده است. مقامات کشورمان موفق‌شدن مذاکرات را در مسقط پرگزار کنند. یکی از دلایل انتخاب آنجا، این است که امکان مدیریت فضای رسانه‌ای وجود داشته باشد. باین‌حال، مردم با نگرانی مشغول رصد فضای مذاکرات هستند.

در وضعیتي که رسانه ملی و سایر رسانه‌های نسبتاً مستقل، عملاً مغلوب فضاسازی رسانه‌های معاند هستند، بالطبع کوپیدن مدام به طبل جنگ می‌تواند فشار زیاده از حدی را بر اعصاب و روان ایرانی‌ها در داخل کشور وارد کند. جریان‌سازی آنها به‌گونه‌ای است که جنگ علی‌الاطلاق قطعی و حتمی بوده و الان بحث در تاریخ آغاز آن است.

نکته درخور توجهی که هم رسانه‌ها و هم مردم از آن بی‌اطلاع هستند، آن است که چرا هیچ اطلاع‌رسان‌ی یا خبری درباره ابعاد رفع تحریم‌های اقتصادی در متن مذاکرات با آمریکا به چشم نمی‌خورد.

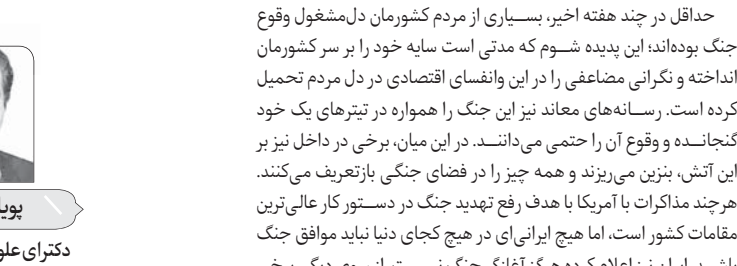
همکان به یاد دارند که در جریان مذاکرات برجام، یکی از اهدافی که

اعتراضات اجتماعی را نمی‌توان صرفاً واکنشی مقطعی به یک تصمیم سیاسی یا اقتصادی دانست. پژوهش‌های دانشگاهی نشان می‌دهند این رخدادها اغلب برآمده از لایه‌های عمیق‌تری از تعارض‌اند که در ساختار توزیع منابع، شیوه حکمرانی و روایت‌های مسلط درباره توسعه ریشه دارند. چارچوب «مثلث تعارض» نزد یوهان کالنتوک، جامعه‌شناس نروژی، این چندلایگی را به خوبی توضیح می‌دهد:
۱- خشونت مستقیم به عنوان نمود آشکار درگیری و اعتراض
۲- خشونت ساختاری در قالب نابرابری‌های نهادی‌شده
۳- خشونت فرهنگی که این نابرابری‌ها را طبیعی یا اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌دهد.

آنچه در خیابان دیده می‌شود، اغلب فقط ضلع قابل مشاهده تعارض است، نه تمام آن.

در این میان، محیط زیست نقشی تعیین‌کننده اما اغلب پنهان ایفا می‌کند. بحران آب، آلودگی هوا، فرونشست زمین و تخریب منابع طبیعی فقط مسائل فنی یا اقلیمی نیستند؛ اینها مستقیم با معیشت، سلامت و کرامت انسانی گره خورده‌اند. پژوهش‌های دانشگاه کلمبیا و دانشگاه کالیفرنیا سانتا باربارا درباره خشک‌سالی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ در سوریه نشان داده‌اند این خشک‌سالی یکی از شدیدترین دوره‌های کم‌بارشی ثبت‌شده در منطقه بود و باعث فروپاشی معیشت کشاورزان و مهاجرت گسترده روستاییان به حاشیه شهرها شد. این جابه‌جایی جمعیتی، فشار بر خدمات شهری و بیکاری را افزایش داد و در ترکیب با انسداد سیاسی و فشارها، بستر تعارض اجتماعی را تشدید کرد؛ بنابراین محیط زیست در سوریه نه عامل مستقیم، بلکه کاتالیزور تعارض بود و سیاست‌های ناکارآمد مدیریت آب و کشاورزی این فشار را بیشتر کردند.

در مصر، بحران جهانی غذا در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ و افزایش قیمت گندم، بخشی از آن ناشی از نوسانات اقلیمی و آتش‌سوزی‌های گسترده در روسیه بود که فشار معیشتی قابل توجهی ایجاد کرد و به افزایش نارضایتی عمومی دامن زد. اما پژوهش‌های دانشگاه آکسفورد و دانشگاه ساکس نشان می‌دهد وابستگی شدید مصر به واردات گندم، تمرکز جمعیت در دره نیل و ضعف سیاست‌های حمایتی اجتماعی، زمینه اصلی نارضایتی بود. محیط زیست در اینجا به شکل محدودتر و به عنوان



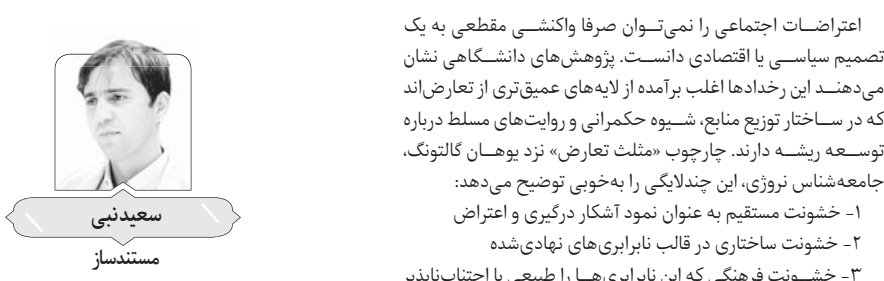
دکترای علوم ارتباطات اجتماعی

مرتب تکرار می‌شد، ناظر بر رفع بخشی از تحریم‌های اقتصادی بود؛ اما اکنون با انفعال رسانه ملی و همچنین سکوت خبری از سوی دو طرف مذاکراتی، مشخص نیست تکلیف رفع تحریم‌های اقتصادی (یا حداقل بخشی از آن) در کجای مباحث مدنظر طرفین قرار دارد.

اکنون مدیریت فضای رسانه‌ای (یعنی اصرار تهران به کشاندن مذاکرات به عمان) باعث شده نتوان هیچ گمانه‌ای بابت این قضیه صورت داد. این وضعیت می‌تواند بسیار نامطلوب باشد. دلیل این است که گویی کل توان مذاکراتی کشور معطوف این شده که از بروز جنگ جلوگیری شود. بالطبع در نظر مردم عادی چنین چیزی مصداق سقف مطالبه کشورمان است و نه کف آن. مشخص است که وقوع جنگ می‌تواند موجودیت کشور را به مخاطره اندازد؛ در این صورت هیچ چیزی جز موجودیت مذکور، واجد اصالت نیست. اگر کشوری وارد جنگ شود، به‌طور مشخص بسیاری از دارایی‌ها، امکانات، گداشته‌شده از فضای سفید و سیاه موجود شکسته شده و آفق‌هایی برای دلگرمی و امیدواری مردم باز شود.

سبز خوانی

مثلث تعارض وریشه‌های پنهان اعتراضات



یک عامل تشدیدکننده اقتصادی و اجتماعی عمل کرد، نه علت مستقیم اعتراضات. در برخی کشورها مانند افغانستان، پاکستان، یمن، مکزیک و هند، پژوهش‌های دانشگاهی نشان می‌دهند محیط زیست بیشتر نقش تشدیدکننده یا زمینه‌ای داشته و به فشار معیشتی و اجتماعی دامن زده است. بحران‌های خشک‌سالی، سیلاب و کمبود منابع آب با ناکارآمدی دولت، فساد و ضعف نهادها ترکیب شده و نارضایتی مردم را افزایش دادند، اما عامل اصلی اعتراضات و شورش‌ها عمدتاً سیاسی و اقتصادی بوده و محیط زیست به‌طور مستقیم علت شکل‌گیری ناآرامی‌های اولیه نبوده است. مطالعات دانشگاه هاروارد، دانشگاه کالیفرنیا و دانشگاه آکسفورد تأکید می‌کنند فشارهای محیط‌زیستی اغلب با محدودیت دسترسی به منابع، مهاجرت داخلی و کاهش فرصت‌های معیشتی همراه شده و در بلندمدت می‌تواند باعث فعال‌شدن شکاف‌های اجتماعی و سیاسی شود. اما بدون وجود ساختارهای ناکارآمد و انسداد سیاسی، بحران‌های محیطی تاکنون به‌تنهایی به اعتراضات گسترده منجر نشده است.

این تجارب نشان می‌دهد سهم محیط زیست در اعتراضات اجتماعی یکسان نیست و اغلب به عنوان فشار تشدیدکننده یا عامل زمینه‌ای عمل کرده است. در چارچوب نظریه «محرومیت نسبی» که در مطالعات دانشگاه میشیگان و دانشگاه کمبریج بسط یافته، آنچه مردم را به کنش جمعی سوق می‌دهد نه صرف کمبود، بلکه ادراک شکاف میان انتظارات مشروع و واقعیت تجربه‌شده است. وقتی شهروندان احساس کنند سهم آنان از منابع حیاتی یا خدمات عمومی به ناق‌کاهش یافته، این احساس



پس از ماه‌ها کاهش محسوس تراز آب، تصاویر ثبت‌شده در بهمن‌ماه نشان می‌دهد سطح آب دریاچه ارومیه در پی بارش‌های اخیر برف و باران و افزایش ورودی رواناب‌ها با رشد نسبی همراه شده است؛ افزایشی محدود که بر اساس مشاهدات میدانی و مقایسه تصاویر دوره‌ای، نشانه‌هایی از بهبود شرایط آید زینه آبی را نشان می‌دهد. عکس: محمد عطایی، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

مکان هندسی رفع تحریم‌های اقتصادی در منظومه مذاکرات

مردم عادی ساخته شده و هیچ انسان عاقل و آزاده‌ای خواستار نابودی مایملک خویش نیست. با این اوصاف، آیا بهتر نیست گزارش مشخصی برای ارائه به عموم تهیه شود تا همگان بدانند نقش و ابعاد رفع تحریم‌ها در نقشه مذاکرات کنونی چگونه تعریف شده است؟ اکنون با مدیریت رسانه‌ای کنونی (هم از ناحیه دستگاه شورای اطلاع‌رسانی دولت و هم رسانه ملی) هیچ علاقه‌ای نزد مردم برای پیگیری اخبار مذاکرات وجود ندارد. این بسیار خطرناک است که همه چیز «صفر و صد» شده است. این باعث می‌شود مردم عادی برداشت ویژه خود را از مذاکرات داشته باشند؛ که چیزی جز تقلیل مذاکره به «موجودیت» نیست. باید کاری کرد که مردم در حرارت بیشتری در جریان مذاکرات باشند و این منوط به آن است که مابازای ملموس در پیگیری مذاکرات تعریف شود. این مابازا چیزی جز رفع تحریم‌های اقتصادی نیست. مردم عادی زیر فشارهای کمرشکن اقتصادی زانو خم کرده‌اند. این در حالی است که تحریم‌های اقتصادی در دو دهه اخیر به منشا و پیشران بخش بزرگی از مشکلات اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی کشورمان تبدیل شده است.

اقداماتی همچون یکسان‌سازی نرخ از قرار بود به جنگ معضلات مزمن اقتصادی برود، اما با قضیه لشکرکشی آمریکا و سایه جنگ چه‌بسا آسیب‌پذیری‌های بزرگی در قبال شوک‌های سیاسی هویدا شد. معلوم نیست کشورمان در منظومه مذاکراتی خود چه مکان‌های هندسی مشخصی برای قضیه رفع تحریم‌ها تعریف کرده است، اما اگر چنانچه چنین مکان‌هایی مشخص شده است، باید صادقانه به مردم در میان گذاشته شود از فضای سفید و سیاه موجود شکسته شده و آفق‌هایی برای دلگرمی و امیدواری مردم باز شود.

آمارخوانی

الگوی دستورهای ترامپ تحلیل شد

در ماه‌های نخست بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید در ژانویه ۲۰۲۵، یکی از مفاهیمی که بیش از هر چیز در تحلیل‌های رسانه‌ای تکرار می‌شد، «سرعت» بود؛ سرعت صدور فرمان‌های اجرایی، سرعت تغییر مدیران و... - به این ترتیب، پروژه‌ای با عنوان «Trump Action Tracker» یا «ترامپ اکشن ترکر» شکل گرفت؛ ابتکاری که توسط «کرسستینا پاکل»، استاد تحقیق در عملیات در حوزه سلامت راه‌اندازی شد و هدفش مستندسازی منظم و طبقه‌بندی‌شده اقدامات و اظهارات دولت ترامپ است. گزارش مفصل نشریه تایمز هاجر اوکیوشن که هفته پیش منتشر شده است، نشان می‌دهد این پروژه چگونه از دل یک کنجکاوی فردی به «آشفنگی خبری» دربارۀ ترامپ گذر کرده و به یک «پایگاه داده» نسبتاً گسترده تبدیل شده است.

پاکل کیست؟

«کرسستینا پاکل» در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ به عنوان یک تحلیلگر داده و ریاضی‌دان شناخته شد؛ فردی که با اتکا بر مدل‌های آماری، روندهای شیوع و پیامدهای سیاست‌های عمومی را توضیح می‌داد. همین پیشینه باعث شد او به سیاست نیز با رویکردی داده‌محور نگاه کند. درواقع او به‌جای تمرکز بر تئوری‌های روزانه، به ثبت منظم و تحلیل الگوها در بازۀ زمانی طولانی‌تر اقدام کرد. به نوشته تایمز، پاکل می‌گوید در هفته‌های اول دولت جدید ترامپ، حجم تصمیم‌ها، دستوروا و اعلامیه‌ها آن‌قدر زیاد بود که بسیاری را متعجب کرد و برخی دیگر آن را «نظم‌بن» یا «واکنشی» تلقی می‌کردند. اما پاکل به تدریج دریافت که اگر این اقدامات به‌صورت داده‌های قابل جست‌وجو و قابل طبقه‌بندی کنار هم قرار گیرند، الگوهای مشخص‌تری دارند.

کشف الگو، او پس از مدتی بررسی، دریافت یکی از مفاهیمی که در تحلیل این وضعیت پیش از همه مشخص است، تانکیکی است که «استیو بن» سال‌ها پیش با عنوان «پرکردن میدان» مطرح کرده بود. طبق این تانکیک، تولید و انتشار حجم بالایی از تصمیم‌ها، پیام‌ها و تغییرات به‌گونه‌ای باید باشد که رسانه‌ها و مخالفان نتوانند بر یک موضوع تمرکز کنند. پاکل در گفت‌وگو با تایمز استدلال می‌کند که چنین راهبردی، حتی اگر عمده‌انه هم طراحی نشده باشد، نتیجه‌ای مشخص را در پی خواهد داشت و به فرسایش ظرفیت نظارتی رسانه‌ها و نهادهای مدنی منجر می‌شود. از نگاه او، «ترامپ اکشن ترکر» تلاشی است برای خنثی‌کردن سردرگمی رسانه‌ها و نهادهای مدنی. این پروژه، سیل پراکنده اخبار را به یک آرشيو ساختار یافته تبدیل می‌کند.

۲۵۰۰ مورد اقدام علیه دموکراسی

براساس گزارش تایمز، این پروژه با همکاری گروه کوچکی از داوطلبان اداره می‌شود و از ژانویه ۲۰۲۵ تاکنون نزدیک به دوهزارو ۵۰۰ مورد اقدام، اظهارنظر یا تصمیم رسمی را ثبت کرده است که در یک نکته مشترک هستند: «حمله به دموکراسی» که پاکل آنها را با عنوان «حلات به دموکراسی» دسته‌بندی کرده است. این اقدامات در حوزه‌های مختلف ازجمله اختیارات اجرایی و تغییر در سازوکارهای اداری، سیاست‌های مهاجرتی، علم و سلامت عمومی، آموزش عالی و مدارس، نهادهای فرهنگی مانند موزه‌ها و رسانه و آزادی بیان طبقه‌بندی شده‌اند. پاکل در این گفت‌وگو به نکته دیگری هم اشاره می‌کند و آن سهم بالای حوزه علم، دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی در این فهرست است. او معتقد است دانشگاه‌ها معمولاً کانون نقد و مقاومت مدنی هستند و به همین دلیل در دولت‌هایی همچون دولت ترامپ و کرایش اقتدارگرایانه آنها، بیشتر هدف تغییر و فشار قرار می‌گیرند. البته حامیان ترامپ معتقدند این اقدامات در چارچوب «اصلاح ساختار بوروکراتیک»، «بازگرداندن اختیارات اجرایی» یا «اجرای وعده‌های انتخاباتی» انجام شده و می‌شود.

ردیابی: این پروژه توانسته نکته دیگری را نیز کشف کند: امکان ردیابی «پیوندهای زمانی» میان تصمیم‌های اولیه و پیامدهای بعدی در این پروژه ممکن و فراهم شده است. پاکل در تحلیل خود می‌گوید: «بسیاری از تصمیم‌هایی که در هفته‌های اول دوره ریاست‌جمهوری ممکن است فنی یا کم‌اهمیت به نظر برسند، در عمل زیرساخت حقوقی یا اداری لازم را برای تغییرات بزرگ‌تر در مراحل بعدی فراهم می‌کنند.» به عنوان مثال، تغییر در ساختار یا اختیارات برخی نهادهای اجرایی می‌تواند در آینده بر نحوه اجرای قوانین مهاجرتی، نظارت انتخاباتی یا تخصیص بودجه تأثیر بگذارد.

۵۳۶ هزار نفر

فرارو: طبق آخرین آمار، تا پایان دی‌ماه ۵۳۶ هزار نفر در صف دریافت وام ازدواج قرار دارند. این یعنی با پایان یافتن سال و آغاز سال جدید، زوج‌های زیادی هنوز به این وام دسترسی پیدا نکرده‌اند. دولت از افزایش تعداد ثبت‌نام‌ها در کنار ثابت‌ماندن ظرفیت پرداخت بانک‌ها به عنوان اصلی‌ترین علت طولانی‌شدن صف ازدواج یاد کرده است. برآورد‌های کمیسیون فرهنگی مجلس نشان می‌دهد برای جمع‌شدن صف وام ازدواج فعلی، ۱۹۱ همت اعتبار لازم است. در بررسی بودجه سال ۱۴۰۵، کمیسیون تلفیق ابتدا رقم ۳۲۰ همت را برای اعتبارات تسهیلات ازدواج و فرزندآوری پیشنهاد داد که پس از بررسی‌ها این رقم تا ۴۲۰ همت برای مجموع وام ازدواج و فرزندآوری افزایش یافت. با توجه به سهم بیشتر وام ازدواج، در صورت تأیید نهایی این در دو نهاد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، پیش‌بینی می‌شود این میزان بودجه صف ازدواج را در سال آینده کاملاً حذف کند.

۳ مهندس

خبرآنلاین: دادستان‌های فدرال آمریکا مدعی شدند سه مهندس شاغل در سیلیکون ولی به اتهام توطئه برای سرقت اسرار تجاری از شرکت‌هایی ازجمله گوگل تحت پیگرد قرار گرفته‌اند.

براساس بیانیه دفتر دادستانی ایالات متحده در ناحیه شمالی کالیفرنیا، این سه متهم شامل دو خواهر و همسر یکی از آنها هستند که اصالتاً ایرانی‌اند و در شهر سن‌خوزه کالیفرنیا با یکدیگر زندگی می‌کردند. به گفته مقام‌های قضائی، هر سه در «شرکت‌های پیشرو فناوری» در حوزه پردازنده‌های رایانش موبایلی مشغول به کار بوده‌اند.

پرونده اکنون در مرحله رسیدگی قضائی قرار دارد و اتهامات مطرح‌شده هنوز در دادگاه اثبات نشده‌اند. در کیفرخواست آمده متهمان از موقعیت شغلی خود سوءاستفاده کرده و اسرار تجاری محرمانه کارفرمایان‌شان را سرقت کرده‌اند.